

بسم الله الرحمن الرحيم

افغانستان پانزده سال بعد از اشغال!



(ترجمه)

پانزده سال بعد از اشغال افغانستان توسط امریکا و دو سال بعد از خروج رسمی نیروهای امریکایی و ائتلاف، افغانستان در ناامنی و هرج و مرجی تازه پی به سر می برد و دولت ساخته ی دست امریکا برای بقای خود تلاش می نماید. طالبان به صورت مداوم به حملات شان در مقابل دولت کابل ادامه می دهند. طوری که هفته قبل شاهد بودیم، اداره مرکز ولایت هلمند-شهر لشکرگاه- را بدست گرفتند.

در سال ۲۰۱۵م، در حملات موسوم تابستانی طالبان از همه بدتر ناکارایی امنیتی دولت افغانستان را نشان داد. در ماه سپتمبر همان سال طالبان ولایت شمالی کندز را تصرف کردند. با وجودی که نیروهای افغان به کمک نیروهای امریکایی این شهر را دوباره تصرف کردند، اما طالبان حضورشان را در شمال این کشور تا بحال حفظ کرده اند. در اخیر سال ۲۰۱۵م طالبان تقریباً ۳۰درصد ولسوالی های افغانستان را تحت کنترل گرفته یا هم حضور گسترده در آن داشتند. کابل حاکمیت خود را در ۵درصد دیگر از قلمروش در نیمه اول سال ۲۰۱۶م از دست داد و حالا طالبان بعد از سرنگونی دولت شان در سال ۲۰۰۱م توسط امریکا، بیشتر از هر زمانی، بیش ترین قلمرو را تحت تصرف دارند.

مقامات اردو و پولیس افغان در باره این وضع به انتقاد کردن از یکدیگر شان ادامه می دهند. سمونوال نعمت الله خلیل قوماندان تولى سوم قول اردوی ۲۱۵ میوند گفت: «نیروهای پولیس پیش از این که تلفاتی را متحمل شوند، ۲۷ پوسنه امنیتی شان را بدون جنگ رها کردند.» او هم چنان افزود: «به همین خاطر نیروهای اردو بصورت تعجب آور و ناگهانی محاصره شدند.» اما دگرمن محمد عمر جان قوماندان امنیه ولسوالی نادعلی این گفته ها را رد کرد و گفت: «نیروهای پولیس از همه بیشتر تلفات را متحمل می شوند. اردو، پولیس را به خاطر متهم می کند تا ضعف خود را در جنگ بیوشاند طوری که آن ها نمی توانند خط اخیر دفاع از ولایت را نگهدارند.»

امریکا افغانستان را به بهانه حملات ۱۱ سپتمبر اشغال کرد، در حالی که پلان حضور دایمی در منطقه اوراسیا برای مقابله با اهداف روسیه و چین و کنترل منابع هایپرو کاربن بحیره خزر و خاور میانه را دارد. یکی از دلایلی را که امریکا برای اشغال افغانستان ارایه می کرد، آزادی افغان ها از دست طالبان و تعهد به آوردن ثبات و امنیت برای این کشور بود؛ اما بعد از یک دهه جنگ، وضعیت بد امنیتی منحصیث یک ناکامی باقی مانده است. امریکا حملات طالبان را

مقصر اصلی می‌داند؛ در حالی که با حد اکثر ۱۳۰ هزار نیرو قادر به آوردن امنیت وعده شده نبود، و اساساً آن بخاطری بود که امریکا دولت افغانستان را با سیاست مداران فاسد، جنگ سالاران سابق و فرصت طلبان را پر کرد که مصروف تسویه حساب های قبلی و ثروت مند ساختن خود بودند.

در دسمبر ۲۰۰۱م سازمان ملل به نماینده گی از امریکا کنفرانس بن را در آلمان میزبانی کرد. هدف آن ایجاد یک روند سیاسی بود که بتواند همه اقوام مختلف، جنگ سالاران و جناح ها را در یک روند سیاسی تنظیم شده توسط امریکا گردهم آورد. اشتراک کننده ها شامل نماینده های چهار گروه مخالف؛ هم چون: پشتون، هزاره، تاجک و ازبک که همه ضد طالبان بودند، می شد. زمانی که امریکا در سال ۲۰۰۳م اشغال عراق را آغاز کرد، حامد کرزی دست نشانده ی امریکا منحیث رییس اداره موقت منصوب گردیده بود و در سال ۲۰۰۴م او بعد از یک انتخابات، مملو از تقلب گسترده، رییس جمهور رسمی افغانستان گردید.

با مصروف شدن امریکا در جنگ عراق، طالبان برگشت نمودند؛ در حالی که امریکا می توانست ابتدا با آسانی طالبان را از قدرت دور سازد. استر اتفور آن چه را که واقعاً اتفاق افتاده بود چنین مشخص ساخت: «این بسیار مهم است، به یاد بیاوریم که طالبان هیچ گاهی در واقع در میدان جنگ شکست نخورده بودند. زمانی که آن ها فهمیدند که توانایی مقابله با نیروهای هوایی امریکا را در جنگ ندارند، جنگ را کاهش داده و رفتند تا شورش را برپا کنند و امریکا به جانشین های منطقه ای خود رو آورد. ایران ثبات را در مناطق شمال غربی از طریق ساخت جاده ها، خطوط انتقال برق و ایستگاه های مرزی همراه با دیگر پروژه های زیربنایی آورد. به پاکستان هدایت داده شده بود که تمام گروه ها و فرقه هایی را از مناطق قبایلی شمالی پاکستان که از شورش در افغانستان حمایت می کردند، از پا در آورد. مشکلات ایجاد شده توسط امریکا در افغانستان به زودی به پاکستان نیز سرایت کرد. در سال ۲۰۰۸م امریکا شروع به استفاده از هواپیماهای تهاجمی بدون سرنشین، برای هدف گرفتن مناطق مرزی میان افغانستان و پاکستان، در قلمرو پاکستان کرده است. بعد از انجام هزاران پرواز هیچ هدف بلند پایه ای دستگیر نشده است. در واقع امریکا برنامه هواپیماهای بدون سرنشین خود را در قریه ها و شهرهای بی گناه به آرزوی این که شاید رادار امریکا کدام هدف بلند پایه را پیدا کند گسترش داده است، در حالی که دولت پاکستان چنین حملات را به عصبانیت واکنش نشان داده است.»

این بازی زمانی افشا شد که سناتور دایان فاینستاین رییس کمیته اطلاعات مجلس سنای امریکا بصورت علنی در مورد موقعیت پرواز و نشست این هواپیماهای بدون سرنشین که در پاکستان گشت زنی می کنند، اظهار نظر کرد. در ماه فیبروری ۲۰۰۹م سناتور دایان فاینستاین با تعجب بر پاکستانی ها در باره این حملات موشکی و هواپیماهای بدون سرنشین، در مناطق شمال غربی مرزی چنین بیان کرد: «من می فهمم که این هواپیماها از پایگاه های پاکستانی پرواز می کنند.»

طوری که امریکا در گردابی غرق گردید که قدرت های غربی به شمول امریکا شروع به زمینه سازی صلح با طالبان را کردند. در یک پیام طویل به مناسبت عید سعید فطر در سال ۲۰۱۱م ملا محمدعمر رهبر طالبان تایید کرد که مذاکرات با امریکا جریان دارد. این نشان دهنده ی آن است که امریکا قبول کرده که نمی تواند طالبان را شکست دهد و به همین خاطر با دشمنی که می خواست آن را از بین ببرد، مذاکره می کند؛ اما این مذاکرات به پیش نرفت، خصوصاً زمانی که طالبان ضعف نیروهای امریکایی را در بدست آوردن پیروزی دیدند.

امریکا تعداد نیروهای خود را در سال ۲۰۱۴م به پایین ترین سطح رسانید، با وجودی این کار، خروج نیروهایش را نیز اعلام کرد؛ اما پایگاه های خود را در سراسر مملکت نگهداشت. امریکا روز به روز امنیت و اداره را به نیروهای امنیتی و پولیس افغان تسلیم کرد و دولت کابل را علی رغم عدم توانایی اش حمایت می کند؛ حتی از همان روزهای اول کنفرانس بن در سال ۲۰۰۱م، امریکا نتوانسته یک دولت درست در افغانستان ایجاد کند که بتواند فراتر از کابل حکومت کند. حتی با تبدیلی حامد کرزی با اشرف غنی تاثیر اندک به تغییر حکومت داری بی کفایت نکرده است. جای تعجب نیست که چندین بار امریکا استراتژی خود را تغییر داده و خروج خود را به تعویق انداخته است.

اخیراً در ماه می ۲۰۱۲م در اجلاس ناتو در شیکاگو امریکا و متحدانش شکست خود را پذیرفتند. بیانیه رسمی مشترک شان نشان دهنده تمایل جمعی تمام کشورهای عضو ناتو بود تا پرده از حادثه ی ناگوار افغانستان بردارند. گوشه ای

ازین گونه بیانیه ها را نقل می کنیم: «بعد از ۱۰ سال جنگ و با وخیم شدن وضعیت اقتصادی جهان، کشورهای غربی دیگر نمی خواهند که هزینه مالی و یا جانی بپردازند.» هزینه تلاش های شان در یک جایی که برای قرن ها با تلاش های خارجی ها برای تغییر شان مقاومت کرده اند، حتی با هزاران سرباز امریکایی که به افغانستان فرستاده شده بود و با همکاری رهبران پاکستان با امریکا و با افزایش حملات هواپیماهای بدون سرنشین و هم چنان تلاش های امریکا، برای تقسیم طالبان به دو گروه؛ معتدل و غیر معتدل، افغانستان غرق شده در گرداب برای امریکا باقی مانده است.

نویسنده: عدنان خان

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

۲۰ شعبان ۱۴۳۸ هـ.ق

۱۷ می ۲۰۱۷ م